



Volume 3, Issue 2, 2023

Analysis of the Role of Emergency Rule in the Treatment of Masturbation

Zeinab Gilani^{1*}, Abdolrassul Ghasemi Kejani², Hamid Reza Kazemi³

1. Department of Family Jurisprudence, Mojtaheda Amin Institute of Higher Education. Esfahan, Iran. (Corresponding Author)

2. Assistant Professor, Department of Law, Al-Mustafa University, Esfahan, Iran.

3. Assistant Professor, Faculty of Hoda, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: *Original Research*

Pages: 201-214

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0006-5482-9457

TELL: +983132344410

Email: zeinabgilani@gmail.com

Article history:

Received: 28 Feb 2023

Revised: 05 May 2023

Accepted: 28 May 2023

Published online: 22 Jun 2023

Keywords:

Urgency, Masturbation,
Masturbation Treatment.

ABSTRACT

One of the rules that has been legislated in Islam with the aim of eliminating hardship is the rule of urgency. This rule is one of the written rules and the most important reason for it is the rational ruling. This rule is effective in many chapters of jurisprudence and governs the proofs of primary rulings. The purpose of this research, which was carried out with a descriptive-analytical method and based on library sources, is to analyze the application of the emergency rule in the treatment of Masturbation. Masturbation is sexual intercourse with oneself, which may sometimes be considered as an emergency; Especially when its treatment requires its phased withdrawal. Because not treating it causes Behavioral addiction and has many damages for the perpetrator. The results of the research show that due to the fact that one of the sources of urgency is necessity, it can be relied on for the treatment of masturbation. Of course, according to the evidence of urgency, in order to commit haram in emergency cases, it is necessary to be satisfied with less degree and in cases where there is an alternative way, it is not possible to rule on the permissibility of haram acts. Damage in an emergency should be checked by an expert on a case-by-case basis. One of the ways to diagnose the emergency in masturbation is by a psychotherapist who can diagnose the issue as an expert.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Gilani, Z; Ghasemi Kejani, A & Kazemi, HR (2023). "Analysis of the Role of Emergency Rule in the Treatment of Masturbation". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(2): 201-214.



انجمن علمی فقه برای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه برای تطبیقی

دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

تحلیل جایگاه قاعده اضطراب در درمان خودارضایی

زینب گیلانی*، عبدالرسول قاسمی کجانی^۲، حمیدرضا کاظمی^۳

۱. گروه فقه خانواده، مؤسسه آموزش عالی حوزوی مجتهده امین، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. استادیار، گروه حقوق، جامعه المصطفی، اصفهان، ایران.

۳. استادیار، دانشکده غیرانتفاعی الهیات و معارف اسلامی هدی، قم، ایران.

چکیده

یکی از قواعدی که در اسلام با نگاه رفع مشقت تشریح شده، قاعده اضطراب است. این قاعده از قواعد منصوص بوده و مهم‌ترین دلیل برای آن، حکم عقلی است. قاعده اضطراب در بسیاری از ابواب فقه کارایی دارد و بر ادله احکام اولیه حاکم است. هدف از انجام این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای منابع کتابخانه‌ای انجام شده است، تحلیل کاربرد قاعده اضطراب در درمان خودارضایی است. خودارضایی که با نام‌های استمناء و مستربیشن نیز شناخته می‌شود، ارتباط جنسی با خود است که اگر به اعتیاد رفتاری بینجامد، به دلیل آسیب‌های فراوانی که برای مرتکب به همراه دارد، درمان آن ضروری است و ضرورت، از منشأهای اضطراب به شمار می‌رود. درمان خودارضایی گاهی به صورت مرحله‌ای بوده و به تشخیص روان‌درمانگر، مستلزم ترک مرحله‌ای است، البته مطابق ادله اضطراب، برای ارتکاب حرام در موارد اضطراری لازم است به اخف اکتفا کرد و در مواردی که راه جایگزین وجود دارد، نمی‌توان حکم به جواز عمل حرام داد. ضرر در اضطراب، باید به صورت موردی توسط متخصص بررسی شود. برای تشخیص حالت اضطراری در خودارضایی، لازم است از افراد متخصص و اهل خبره، مانند روان‌درمانگر متعهد، بهره جست.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۰۱-۲۱۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۹۴۵۷-۹۴۸۲-۵۴۰۶-۰۰۰۹-۰۰۰۹

تلفن: ۰۲۱-۹۸۳۱۳۲۳۴۴۴۱۰

ایمیل: zeinabgilani@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

خودارضایی، اضطراب، استمناء، درمان

خودارضایی، مستربیشن.



مقدمه

بیان مسأله: زندگی انسان دارای دو وجه فردی و اجتماعی است. در شرع مقدس اسلام برای تنظیم روابط فردی و اجتماعی انسان، قوانینی وجود دارد که رفتارهای او را تعیین تکلیف می‌کند. جامعیت این احکام به‌گونه‌ای است که همه شؤون زندگانی او را دربر می‌گیرد. از این‌روست که در دو قالب حکم اولی و ثانوی بیان شده‌اند. در مورد این دو حکم، تعاریف مختلفی بیان شده است؛ در یکی از آن تعاریف، حکم اولی حکمی است که خداوند متعال به‌لحاظ صلاح و فساد که در خود شیء یا متعلق آن وجود دارد، انشا کرده است و در موضوع آن شک در حکم واقعی وجود ندارد (مشکینی اردبیلی، ۱۳۷۱: ۱۲۴/۱)، اما چه‌بسیار حالاتی که برای انسان به‌واسطه مشقت، اضطراب و مواردی مانند آن ایجاد می‌شود و خداوند در این‌گونه مواقع، حکم ثانوی را مقرر داشته است. درحقیقت، هرچند امرونی خداوند در اموری که برای انسان با مشقت و سختی همراه است، محال نیست، ولی به‌دلیل رعایت حال انسان در شرایط یادشده، قوانینی سهیل‌گیرانه را وضع کرده است. بنابراین منظور از احکام ثانویه، احکامی است که خداوند متعال بر مبنای تزام و صلاح و فساد حالت عارض و موقت، با مصلحت و مفسده اولی و نیز در حالاتی مانند اضطراب، آن‌ها را جعل می‌کند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۱۱۶-۱۱۵). از جمله قواعد کاربردی در که در استنباط فقهی بسیار اثرگذار است و به‌عنوان حکم ثانوی بر ادله احکام اولیه حاکم می‌شود، «قاعده اضطراب» است. این قاعده دارای ادله محکمی از کتاب، سنت، عقل و سیره عقلا است. یکی از مصادیق بحث اضطراب، مسائل جنسی است. مسائل جنسی دارای مصادیق زیادی است که از جمله آن‌ها خودارضایی است.

اهمیت و ضرورت: باتوجه به پژوهش‌های صورت‌گرفته، به‌نظر می‌رسد که یکی از رایج‌ترین انحرافات جنسی در زمان‌های مختلف، خودارضایی است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۳). این فعل هرچند که در ابتدا با اختیار انجام می‌شود، ولی در ادامه ممکن است که فرد را در شرایط اضطرابی قرار دهد و به اعتیاد رفتاری بینجامد. از طرف دیگر، در برخی از موارد، روان‌درمانگر یا پزشک، لازم است

که درمان مرحله‌ای در این مورد انجام دهد و تشخیص او این باشد که باید به‌صورت مرحله‌ای و به‌مراتب به کنترل و ترک دائمی این عمل بپردازد. از این‌رو پژوهش در زمینه کاربرد قاعده اضطراب و شمولیت آن نسبت به مسأله یادشده، ضروری می‌نماید.

پیشینه: در زمینه خودارضایی تاکنون پژوهش‌های متعددی انجام شده است که بیشتر ناظر به بحث جرم‌شناسی آن است یا این‌که آن را از جنبه روان‌شناسی مورد تحلیل قرار داده است. یکی از کتاب‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد، «آسیب‌شناسی جنسی» از کیومرث ارجمند قجور است که در این کتاب، به‌صورت کلی به اختلالات و آسیب‌شناسی جنسی از بعد روان‌شناسی پرداخته شده است که با رویکرد پژوهش حاضر متفاوت است. اثر دیگر، مقاله «انحرافات جنسی (مطالعه تطبیقی جرم‌شناسی و فقهی)» از مهرزاد کیانی و امیر شریفی خضارتی است. در این مقاله همان‌طور که از عنوان آن مشخص است، از شیوه جرم‌شناسی به موضوع حاضر به اشاره و به‌عنوان مصداقی از انحرافات پرداخته است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و نیز مشورت با روان‌پزشکان و روان‌شناسانی که در حوزه درمان این ناهنجاری فعال هستند، گردآوری شده است و به بررسی جایگاه قاعده اضطراب در درمان خودارضایی می‌پردازد.

سؤال و فرضیه: از آنجایی که برای درمان خودارضایی گاهی نمی‌توان به‌صورت یک‌مرحله‌ای عمل کرد و در یک جلسه مراحل درمانی را انجام داد، لازم است که به این پرسش پاسخ داده شود که آیا می‌توان با قاعده اضطراب، جواز درمان مرحله‌ای آن را استنباط کرد؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به پرسش یادشده مطرح می‌شود، امکان جریان این قاعده در بحث درمان خودارضایی است.

۱- ادبیات پژوهش

۱-۱- خودارضایی

این نوع از رابطه، رابطه با خود است. در فقه اسلامی، این واژه با نام «استمناء» یاد می‌شود (شیبانی جزری، ۱۳۹۹: ۳۶۸/۴). استمناء بر وزن «استفعال» و به‌معنای «طلب منی» بدون

استمنای ذهنی، دستی یا عضوی و نیز استمنای به وسیله ابزار خارجی. در اصطلاح علمی، خودارضایی نوعی تحریک مکانیکی در دستگاه تناسلی است که مقدمه آن به صورت آگاهانه صورت می‌پذیرد، ولی در ادامه ممکن است که مرتکب این عمل، به صورت ناخودآگاه این کار را انجام دهد. به بیان دیگر، خودارضایی عملی است که فرد در حال بیداری و به صورت آگاهانه، بدون این که شریک جنسی داشته باشد، به انجام کاری بپردازد که موجب اوج لذت جنسی او شده و در ادامه به انزال منجر شود. اوج لذت جنسی در مردان، با خروج منی و در زنان این لذت موجب سفتی عضلات بوده و به همراه خروج رطوبتی است که از نظر فقهی حکم منی را دارد (سهراب‌پور، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۶).

خودارضایی یک اعتیاد روانی است که ممکن است فرد از دوران کودکی و تا بزرگسالی و بعد از ازدواج درگیر آن باشد. در اعتیاد روانی، هر چند شخص معتاد، درد و رنج اعتیاد بدنی را تجربه نمی‌کند، ولی تمایل زیادی به این کار پیدا می‌کند و مقاومت در برابر آن به طور معمول، دشوار است (اسماعیل‌زاده برزی، ۱۳۹۲: ۱۳). در فرهنگ اسلامی، این عمل از اعمال ناپسند شمرده شده و برخی آن را از جمله گناهان کبیره غیرمنصوصه می‌دانند (دستغیب، ۱۳۸۸: ۳۳۲/۲).

۱-۲- اضطراب

اضطراب در لغت به معنای احتیاج به چیزی داشتن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۴۸۳)، ناگزیری و ناچاری است (فیومی، ۱۴۱۸: ۱/۱۸۶)؛ معنای اصطلاحی آن نیز از نظر فقها مطابق همان معنای لغوی است و بسیاری از فقها در تعریف اضطراب به ذکر مصادیق آن پرداخته‌اند. در کلام فقها، اضطراب در صورتی محقق می‌شود که اگر فرد مضطر مرتکب عمل حرام نشود، ترس از دست رفتن جان وجود داشته باشد یا موجب بیماری و شدت آن و طولانی شدن زمان بیماری یا سخت تر شدن درمان آن شود یا ترس از ضعفی باشد که موجب بازماندن از همراهی گروه می‌شود که با نشانه‌هایی همچون عیب، ضعف سوارکاری یا راه رفتنی که ترس از دست رفتن و مانند آن می‌شود (طوسی، ۱۴۰۸: ۳۶۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ۴/۷۵۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳/۳۳۳). محقق اردبیلی نیز اضطراب را

آمیزش است (فیومی، ۱۴۱۸: ۱/۳۰۰) و اگر با دقت به آن نگریسته شود، نمی‌توان این اصطلاح را برای زنان به کار برد، زیرا هنگام خودارضایی زنان، از آنان منی خارج نمی‌شود، بلکه تنها از آن‌ها رطوبت خارج می‌شود که البته فقها آن را در حکم منی می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۴۲۴: ۱/۲۶۸؛ خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۳۵). از این رو برای خودارضایی زنان واژه‌هایی مانند «استشها» به کار می‌رود که به معنای «طلب شهوت» است (فقیهی، ۱۳۸۷: ۳۰۳). به طور کلی این عمل از ناپهنجاری‌های جنسی به شمار می‌رود، زیرا ضابطه به شمار آمدن از ناپهنجاری‌های جنسی، هر تمایل یا رفتار جنسی است که برای خود فرد یا دیگری آسیب‌زا باشد و در خودارضایی نیز چنین آسیبی وجود دارد (فقیهی، ۱۳۸۷: ۳۰۳).

فقها نیز استمنای را عملی معنا کرده‌اند که انسان با خود یا دیگری کاری کند که به خروج منی از او بینجامد (مؤسسه دائره‌المعارف الفقه الاسلامی، ۱۳۸۲: ۱/۴۸۸)؛ این واژه اخص از «امناء»، یعنی مطلق خارج کردن منی است، چه با قصد انزال یا بدون آن باشد (انصاری، ۱۴۲۰: ۳/۸۳). فقها هرگونه خروج منی بدون آمیزش را خودارضایی نمی‌دانند و خروج منی در خواب یا «احتلام» و نیز استمنای توسط همسر یا کنیز از مصادیق خودارضایی و استمنای حرام نیست (نجفی، ۱۳۶۲: ۴/۶۴۸).

یکی دیگر از اصطلاحات بسیار پرکاربرد برای این عمل، واژه «مستربیشن»^۱ است که در ادبیات امروز روان‌شناسی به کار می‌رود (هریسون^۲، ۱۹۹۸: ۱). این اصطلاح در مواردی به کار می‌رود که خودارضایی به حالت عادت درآمدی باشد (کیانی و خضارتی، ۱۳۸۸: ۱۹). برخی خودارضایی را به کاربردن وسایل غیرطبیعی برای تسکین شهوت یا اطفای شهوت به وسیله مالش و فشار به اعضای تناسلی برای رسیدن به اوج شهوت، در صورت عدم دسترسی به جنس مخالف، تعریف کرده‌اند (سیجیا و همکاران^۳، ۲۰۲۲: ۲۳۰).

این عمل، به صورت‌های مختلفی ممکن است صورت پذیرد که همه آن‌ها از مصادیق استمنای به شمار می‌روند، مانند

^۱ - Masturbation

^۲ - Harrison

^۳ - Sijia & others

۱-۵- مراتب اضطراب

مرتب اول، تلف نفس (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۹۵/۶)، البته این برداشت از اضطراب با اطلاق آیات و روایات مشیر به اضطراب سازگاری ندارد.

مرتب دوم، اعم از تلف نفس و غیر آن: در این صورت مواردی مانند ایجاد یا تشدید بیماری، نقص در عضو و ضعف را نیز شامل می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۷۵۷/۴). این نوع تفسیر از اضطراب به مشهور فقها نسبت داده شده است (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۱۳/۱۲).

مرتب سوم، خوف تلف دیگری؛ در این مرتبه ممکن است کسی به‌خاطر ترس از تلف جان شخص دیگری که حفظ او واجب است یا از دست‌رفتن آبرو یا مال او یا هر ضرری که برای آن شخص قابل تحمل نیست، به انجام فعل حرام مضطر شود، مانند مادر باردار یا شیردهی که به‌خاطر حفظ جان فرزند خود گوشت مردار می‌خورد یا شراب می‌نوشد (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۲۷/۳۶). این تفسیر، وسیع‌تر از تفسیر مشهور از اضطراب است و شامل خوف و اکراه و تقیه برای نجات جان خود یا دیگری می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۱۶۱/۲).

۱-۶- حکومت قاعده اضطراب بر ادله احکام اولیه

هرچند رعایت احتیاط تا زمانی که موجب عسر و حرج نشود، پسندیده است، حتی در برخی از مواقع، رعایت احتیاط واجب است، ولی در مواقعی که ادله احتیاط با ادله اضطراب تعارض کند، ادله اضطراب از باب حکومت مقدم می‌شود، زیرا موضوع یا حکم احتیاطی را تضییق می‌کند و لزوم احتیاط تا زمانی است که موضوع یا حکم از مصادیق اضطراب نباشد (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۴۳۳). در این زمینه، حتی اگر ترس عقلایی از دست‌رفتن جان یا تشدید بیماری هم باشد، باید به این ترس بها داد.

نکته دیگر این است که برخی از فقها مدلول این قاعده را عزیمت دانسته‌اند. از مدلول برخی از روایات نیز چنین مطلبی

حالتی می‌داند که شخص نتواند بر آن صبر کند و برای او قابل تحمل نباشد (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۳۱۳/۱۱).

باتوجه به مصادیقی که فقها برای معنای اضطراب بیان کرده‌اند، روشن می‌شود که فقها در وسعت تعریف آن اختلاف نظر دارند، زیرا برخی از آن‌ها اضطراب را در حالت تحقق ترس از دست‌رفتن جان دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۰: ۱۱۳/۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۸: ۳۳۷-۳۳۸/۸) و برخی دیگر علاوه بر آن، ترس از بیماری و مانند آن را نیز در محدوده اضطراب در نظر گرفته‌اند که جناب شهید ثانی آن را به مشهور فقها نسبت داده است (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۱۳/۱۲). برخی دیگر از فقها نیز اضطراب را شامل تقیه، ضرر، اکراه و ضرورت نیز دانسته‌اند (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۲۷/۳۶).

باتوجه به این تعاریف، می‌توان منشأهای اضطراب را در موارد اکراه، تقیه، ضرر و ضرورت برشمرد (انصاری، ۱۴۱۵: ۷۰/۵).

۱-۳- مضطر

فقه‌های مذاهب گوناگون در تعریف مضطر اتفاق نظر ندارند. از نظر فقه‌های مالکی، مضطر، مکلفی است که بر آنچه نسبت به آن اکراه دارد، مجبور شده است. «مکلف» اسم جنس است و شامل هر نوع مکلفی می‌شود؛ خواه تکلیف به امر عرفی یا غیرعرفی و خواه تکلیف به امر شرعی یا غیر آن باشد. آنچه به آن مجبور می‌شود، می‌تواند از نوع قول، فعل یا تصرف باشد (ابن عربی، ۱۴۲۴: ۸۱/۱). با قید «الملجأ إلیه»، تکلیف به امر عادی خارج می‌شود، همچنین قید «المکره علیه» نیز الجاء را به‌صورت اکراه اختصاص می‌دهد و صورت‌های دیگر الجاء از جمله خوف و گرسنگی را با این قید خارج می‌کند (فرا، ۱۴۱۴: ۱۹-۲۰).

۱-۴- قاعده اضطراب

این قاعده بیانگر این است که اجمالاً تکالیف شرعی، با اضطراب برداشته می‌شود، زیرا به‌وسیله اضطراب، ارتکاب محرم و ترک واجب، مباح است (حلی، ۱۴۰۵: ۳۹۰/۱). درحقیقت این قاعده نمایانگر سهولت، تسامح، واقع‌بینی و انعطاف در قوانین اسلامی و بیانگر رعایت جنبه حقوقی مکلفین است (مؤسسه دائره‌المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۳: ۴۳۸/۱۳).

این عمل را از گناهان کبیره برمی‌شمرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۵/۷۹). در این زمینه، به دلیل اجماع نیز استناد شده است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۴۲/۴). البته در موارد ضروری مانند آزمایش‌های مرتبط با اسپرم، برخی از فقها آن را جایز دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷: ۱۳۶/۱، س ۷۸۸-۷۸۶).

۲-۲- علمای اهل سنت

علمای اهل سنت، رویکردهای متفاوتی نسبت به این موضوع دارند. بیشتر فقهای اهل سنت قائل‌اند که استمناء حتی برای درمان هم جایز نیست (ماوردی، ۱۴۱۹: ۳۲۰/۹). ضعیف بودن دلیل جواز استمناء، اولویت نکاح با کنیز نسبت به استمناء، زشت بودن استمناء، عدم کاربرد استمناء به دلیل وجود راه‌های حلال، جایگزینی روزه به جای نکاح و صحیح نبودن بدل قرار دادن برای جایگزین، ازدیاد شهوت، از جمله دلایل این قول است (قرطبی، ۱۳۸۴: ۱۰۶/۱۲).

گروه دیگری از فقهای اهل سنت که بیشتر از حنابله هستند، این فعل را در حالت اضطراری جایز دانسته‌اند، حتی برخی از اهل سنت، آن را فعل محظوری دانسته‌اند که به خاطر ضرورت مباح شده است و از این رو، از باب ارتکاب ضرر خفیف‌تر و برای دفع ضرر بزرگ‌تر گرفتاری در زنا، آن را واجب کرده‌اند (ابن عابدین، ۱۳۸۶: ۲۷/۴)؛ ادله این قول عبارت‌اند از: اخراج زوائد بدن از طریق استمناء (قرطبی، ۱۳۸۴: ۱۰۵/۱۲)؛ اولویت آن نسبت به نکاح با کنیز، راهی برای عفت‌پیشه کردن جوانان، ضرورت جنگی، قیاس با حالت اضطرار به زنا از باب ضرر خفیف‌تر، اطفای شهوت و عفت ورزیدن در مقابل زنا (مقدسی، ۱۴۲۴: ۱۲۷/۱۰-۱۲۶).

فقهایمانند ابن عقیل، این عمل را در مورد هر شخصی دارای حکم مختص به خود می‌داند و از نظر این فقها حالات مختلف و در نتیجه احکام مختلفی برای انجام‌دهنده این فعل می‌توان تصور شد. اگر مرتکب، توانایی برگزیدن همسری برای خود داشته باشد چه از نوع کنیز باشد یا حر، خودارضایی برای او جایز نیست، هرچند برخی دیگر از اهل سنت، در این حالت فقط قائل به کراهت هستند. حالت دوم این است که مرتکب، توانایی همسرگزیدن ندارد، ولی شدت شهوت او به گونه‌ای نیست که او را وادار به زنا کند و نیز از غلیان

به دست می‌آید^۱ (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۳۸۹/۱۶)، ولی به نظر می‌رسد که قول به عزیمت با امتنایی بودن این قاعده سازگاری ندارد (طباطبائی، ۱۳۹۴: ۴۲۶/۱). زیرا این قاعده برای برداشتن مشقت و سختی در مواردی که اضطرار به حکم یا موضوعی باشد، جریان دارد و قول به عزیمتی بودن، خود در برخی از مواقع موجب به مشقت‌افتادن مکلف می‌شود. باتوجه به جستجو در عبارات فقها می‌توان این‌گونه تفصیل داد که در مسائل غیرعبادی، این قاعده مستلزم رخصت است و نسبت به عبادات تفصیل وجود دارد؛ به این صورت که اگر عبادت موجب ضرر جانی شود، مفاد قاعده، عزیمت و در غیر این صورت، رخصت خواهد بود (لطفی، ۱۳۹۲: ۹۲).

۱-۷- نوعی بودن یا شخصی بودن معیار ضرر در اضطرار

اضطرار رافع تکلیف، اضطرار شخصی است. نوعی بودن یا شخصی بودن، هرچند در برخی از مباحث مانند عسر و حرج، اختلافی است، ولی در بحث اضطرار بی‌تردید این اضطرار، شخصی است که می‌تواند رافع حکم باشد. دلیل آن هم مدلول ادله اضطرار از کتاب و سنت، از جمله آیه «فمن اضطر...» (بقره/۱۷۳) است که در آن اضطرار منتسب به شخص شده است. افزون بر آن، بناء عقلا در این زمینه نیز قائم به اضطرار شخصی است، چنانچه امتنایی بودن این قاعده نیز با شخصی بودن آن سازگاری دارد (وطنی، ۱۳۸۱: ۲۰۴).

۲- دیدگاه فقهای مذاهب نسبت به خودارضایی

۱-۲- علمای امامیه

از نظر فقهای امامیه، استمناء به دو نوع حلال و حرام تقسیم می‌شود. برخی از فقها، استمنائی که توسط همسر یا کنیز انجام شود را حلال برمی‌شمارند و غیر آن را حرام می‌دانند (عاملی، ۱۴۱۳: ۴۸/۱۵). برخی دیگر از فقها آن را به طور مطلق حرام می‌دانند (علامه حلی، ۱۳۸۸: ۵۷۷/۲). دلیل آن‌ها برای این حرمت، برخی از آیات قرآن است که براساس آن، هرگونه لذت جنسی غیر از طریق همسر یا کنیز را جایز نمی‌داند (مؤمنون/۷-۵). افزون بر آن روایاتی وجود دارد که

^۱ «قال الصادق (ع): من اضطر الی المیتة والدم ولحم الخنزیر فلم یأکل شیئا من ذالک حتی یموت فهو کافر؛ هرکس به خوردن مردار خون و گوشت خوک مضطر شود و از آن‌ها نخورد تا بمیرد، کافر است.»

واژه «باغ» در لغت از واژه «بغی» و به معنای «ظلم و سرکشی» است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷۸/۱۴) و واژه «عاد» در لغت از واژه «عدو» گرفته شده و به معنای «تجاوز و دزدی» است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۳/۱۵). در زمینه تفسیر «غیرباغ» و «لاعاد» تفاسیر مختلفی وجود دارد. برخی از روایات، «غیرباغ» را به معنای «صیدکردن» و «عاد» را به معنای «دزدی» تفسیر کرده‌اند (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۵۰۹/۵؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۸۴/۹). معانی دیگری نیز برای این دو واژه در تفاسیر آمده است که به نظر می‌رسد معانی مذکور، بیان مصداق همان معنای لغوی است، یعنی مضطر، فقط به اندازه برطرف شدن نیازش جایز است که مرتکب حرام شود.

۳-۱-۱- تطبیق آیه بر اضطرار نسبت به خودارضایی

اگرچه این آیه در مورد خوردنی‌ها آمده است، ولی اختصاص به آن ندارد، زیرا بسیاری از فقها از این آیه در مصادیق مختلف اضطرار استفاده کرده‌اند (محقق سبزواری، ۱۴۲۳: ۶۲۴/۲؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۱۹/۱۵). درحقیقت، این آیه در مقام بیان اثبات یک کبرای کلی است که نزد عقلا مورد پذیرش واقع شده و از قواعد عامه‌ای است که می‌توان از آن در ابواب مختلف فقهی استفاده کرد. در بحث خودارضایی هم اگر فردی مضطر شود و برای ترک کامل آن با ترک مرحله‌ای آن درمان شود، حرمت تکلیفی این فعل از او برداشته می‌شود. همچنانکه در ادله خاص اشاره خواهد شد که خود امام معصوم (ع) نیز برای رفع حرمت از زانیه، به همین آیه استناد فرموده است.

۳-۲- ادله خاص

در زمینه مسائل جنسی، روایتی وجود دارد که به بحث اضطرار در زنا می‌پردازد. این روایت در منابع امامیه و اهل سنت با ادبیات مختلف نقل شده است. مضمون روایت یادشده، در مورد این است که زنی که قرار بوده است به دستور خلیفه دوم حد رجم بر او جاری شود، با دستور حضرت علی (ع) به بیان ماجرای که زنا در آن انجام داده است می‌پردازد؛ آنگاه مشخص می‌شود که به خاطر شرایط اضطراری و نجات جان خود، مرتکب این عمل حرام شده است؛ از این رو، حضرت علی (ع)، فعل این زن را مصداق

شهوت و لذت هم ترسی ندارد؛ برای این فرد ارتکاب به خودارضایی به دلیل روایت، حرام است، اما در حالت سوم، اگر حالت فردی بین شهوت و غیر آن مشکوک باشد و فردی نباشد که با او ازدواج کند، خودارضایی برای او حرام نیست، زیرا حالت او بین حالت کسی است که توانایی خودکنترلی را دارد و کسی است که قادر به این کنترل نیست؛ از این رو، این فعل برای او حرام نیست. حالت چهارم هم در مورد فردی است که غلیان شهوت پیدا کرده است و می‌ترسد که اگر به انجام این کار نپردازد، مرتکب زنا شود و امکان ازدواج هم ندارد. از آنجایی که زشتی گناه زنا خیلی بیشتر از ارتکاب این عمل است، اگر فردی در این حالت به خودارضایی بپردازد، برای او جایز است (مجموعه من المؤلفین، ۱۴۲۷: ۱۴۰/۳۹).

بیهوتی از فقهای اهل سنت قائل است که جواز این فعل برای هر زمانی نیست، بلکه فقط در موارد ضرورت و اضطرار این حکم وجود دارد و در غیر این صورت، مرتکب حرام شده و مستحق تعزیر است و مشمول «عادون» در آیه ۷ سوره مؤمنون خواهد بود (بیهوتی، ۱۴۱۴: ۳۶۶/۳).

۳- ادله اضطرار در بحث خودارضایی

۳-۱- ادله عام

این ادله که شامل آیات، روایات، عقل، سیره عقلا، قواعد فقهی و اجماع است که از باب عمومات و اطلاعات، قابلیت استفاده در مصادیق مختلف اضطرار را دارند. یکی از مهم‌ترین این ادله، دلیل عقل مستقل است و آیات و روایات در این زمینه، مؤید حکم عقل هستند، البته در برخی از این نصوص، محدوده و ضابطه اجرای این قاعده بیان شده است. به عنوان نمونه می‌توان به آیه «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالِدًا وَوَلَدًا وَنَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره/۱۷۳) اشاره کرد. فقهای بسیاری به این آیه برای مسأله اضطرار تمسک کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۲۲۹/۳؛ المسالك، ۱۴۱۳: ۱۱۲/۱۲). در این آیه به حکم تکلیفی فعل حرامی که در مواقع اضطرار انجام می‌شود، اشاره شده و فعل حرام در شرایط اضطراری جایز دانسته شده است، البته برای آن، دو شرط بیان شده است: اول این که «غیرباغ» باشد و دوم این که «غیرعاد» باشد.

نتیجه و هدف غایی عمل است (رضوانی، ۱۳۹۲: ۱۰). در بحث درمان مرحله‌ای خودارضایی که گاهی روان‌درمانگر برحسب شرایط فرد مبتلا، به او توصیه کم‌کردن و نه ترک یک‌دفعه‌ای را می‌دهد، بیشتر انگیزه و آثار آن مورد توجه قرار گرفته است، زیرا ذات این عمل، مطابق دستورات دین و آیات و روایات موجود، دارای حسن نیست. بنابراین در مواردی که روان‌درمانگر، در تعارضات اخلاقی دچار می‌شود که نمی‌داند به کدام یک باید عمل کند، توجه به مصلحت اهم برای او می‌تواند راهگشا باشد.

۴- حکم به اضطرار انداختن خود

یکی از مواردی مهمی که از ادله اضطرار برداشت می‌شود، این است که اگر کسی با اختیار یا سوءاختیار خود، خودش را مضطر کند، این اضطرار برای او اثر شرعی را به همراه ندارد، یعنی عقل در این مواقع، عقاب این فرد را قبیح نمی‌داند. عبارات قرآنی «من غیرباغ و لاعاد» (بقره/۱۷۳) و «غیرمتجانف لایثم» (مائده/۳) در آیات مربوط به اضطرار این مفهوم را تأکید می‌کند که اضطراری رافع تکلیف است که با سوءاختیار مکلف حاصل نشده باشد. این مطلب را می‌توان با توجه به قاعده «الامتناع بالاختیار لاینافی الإختیار» نیز اثبات کرد.

مفهوم این قاعده این است که اگر کسی با سوءاختیار، موجب به اضطرار افتادن خود و در نتیجه مرتکب حرام شد، این اضطرار موجب لغو عقاب و مسؤولیت شرعی و کیفری او نمی‌شود، هر چند که این مسأله اختلافی است. برخی از فقها، اضطراری را رافع تکلیف می‌دانند که متأثر از امر ذاتی و خارج از قدرت مکلف باشد (طباطبائی قمی، ۱۳۷۱: ۷۰/۱-۶۹؛ عراقی، ۱۴۱۷: ۳۱۹/۱). برخی دیگر در این مواقع، مکلف را مستحق عقاب می‌دانند، ولی خطاب به او را جایز نمی‌دانند (نائینی، ۱۳۶۸: ۱۵۰/۱)، زیرا خطاب به فردی که اختیاری ندارد، بی‌فایده است (خراسانی، ۱۴۳۱: ۱۶۸/۱)، مانند نظراتی که فقها در بحث اجتماع امرونی در مورد شخصی که با اختیار وارد زمین غصبی می‌شود و برای خروج از آن، ناگزیر است که قدم به قدم خارج شود، مطرح کرده‌اند. در مثال یادشده، هر چند که ابتدای آن با اختیار صورت پذیرفته است، ولی در ادامه فرد به صورت اضطراری برای رهایی از غصب ناگزیر

اضطرار در آیه «فمن اضطر غیرباغ و لاعاد فلا إثم علیه» (بقره/۱۷۳) می‌دانند و او را مستحق حد نمی‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۳/۴۰).

۳-۲-۱- تطبیق روایت با مسأله خودارضایی

از آنجایی که در آخر روایت، علت بیان شده است، هر کجا که این علت موجود باشد، می‌توان از حکم آن استفاده نمود. در بحث خودارضایی نیز اگر به صورت اضطراری انجام شود، حرمت عمل برداشته می‌شود. افزون بر آن، می‌توان از بحث زنا در این روایت، الغای خصوصیت نمود و آن را مشمول هر جایی که اضطراری باشد، دانست.

افزون بر روایت یادشده، یکی از مهم‌ترین دلایل عقلی به‌کاربردن این قاعده در درمان خودارضایی نیز، قاعده ترجیح اهم بر مهم است. درحقیقت، یکی از مهم‌ترین مسائل اخلاق کاربردی، حل «تزامات اخلاقی»^۱ است. با توجه به معیارهایی که فقها برای این تقدیم ارائه کرده‌اند، اگر در جایی نتوان به هیچ عنوان میان دو مصلحت را جمع کرد و لازم بود که یکی را بر دیگری مقدم کرد، عقل به ترجیح اهم بر مهم حکم می‌کند (جلالی مازندرانی، ۱۴۱۴: ۴۰۸/۴). از این رو، برخی از فقها یکی از معیارهای تقدیم اهم بر مهم را مسأله اضطرار برشمرده‌اند (مظفر، ۱۴۱۵: ۱۹۷/۲). یکی از راه‌های ارزش‌گذاری اخلاقی در نظام اسلام، توجه به معیارهای سه‌گانه زیر است:

انگیزه عملی (حسن فاعلی)، ذات عمل (حسن فعلی)، آثار و پیامدهای عمل (جنبه غائی). از این رو، اگر عملی هر سه حسن را داشته باشد، دارای ارزش است، هر چند در برخی از مواقع ممکن است یکی از این موارد را به همراه نداشته باشد، بنابراین، یکی از بهترین راه‌های حل این تعارض، توجه به

^۱ «وروی آن امرأه شهید علیها الشهود أنهم وجدوها فی بعض میاه العرب مع رجل یطأها لیس ببعل لها، فأمر عمر برجمها وکانت ذات بعل، فقالت اللهم إناک تعلم انی بریئة، فغضب عمر وقال: وتجرع الشهود ایضا؟ فقال امیرالمؤمنین: ردوها واسألوها فملل لها عذراء فردت وسئلت عن حالها، فقالت: کان لاهلی ابل، فخرجت فی ابل اهلی وحملت معی ماء ولم یکن فی ابل اهلی لبن، وخرج معی خلیطنا وکان فی ابله لبن، فنقدمائی فاستقیته، فأبی أن یسقینی حتی امکنه من نفسی، فأبیت، فلما کادت نفسی تخرج امکنته من نفسی کرها، فقال امیرالمؤمنین: الله اکبر «فمن اضطر غیرباغ و لاعاد فلا إثم علیه» لما سمع ذلک عمر خلی سیبها.»

² - Moral Conflicts

رفتار به‌ویژه در زمانی که خارج از مرزهای شرعی و اجتماعی باشد، مشکلات متعددی را به‌وجود می‌آورد و از آن به‌عنوان «انحراف جنسی^۷» یاد می‌شود. آنچه در خودارضایی مورد توجه است، درمان این اعتیاد است که به گفته برخی از پزشکان به‌صورت مرحله‌ای انجام می‌گیرد، به‌گونه‌ای که ممکن است فردی که در روز، چند بار به این عمل می‌پردازد، به انجام آن در دفعات کمتر سوق داده شود و با تمرین در روزهای متعدد که بسته به مورد متفاوت است، این اعتیاد را در خود از بین ببرد.

باتوجه به نظرات فقها نسبت به قاعده امتناع، در بحث خودارضایی می‌توان با دو رویکرد کلی به بحث اضطراب پرداخت. رویکرد نخست این است که اگر اضطراب با اختیار حاصل شود، باتوجه به تحلیل برخی از فقها نسبت به اضطراب اختیاری، نمی‌توان حکم به جواز عمل مضطر داد، زیرا چنین موردی از حکم اضطراب خارج است؛ رویکرد دوم نیز این است که اگر انجام این عمل به‌صورت اعتیاد درآید، در برخی از موارد، مرتکب بدون اعمال اختیار به این فعل روی می‌آورد. در مورد چنین اضطرابی، هرچند عقاب او مطابق حکم عقل به‌دلیل این که از اول خود را به اضطراب انداخته است، قبیح نیست، ولی در ادامه به‌دلیل واقع‌شدن در شرایط جدید که در برخی از موارد غیرارادی است، باید به تحلیل آن پرداخته شود، به‌ویژه این که در بحث درمان این ناهنجاری، گاهی نمی‌توان به‌صورت یک‌دفعه به درمان آن پرداخت و در برخی از موارد لازم است که به‌صورت مرحله‌ای و با کم‌کردن مراتب تکرار عمل، درمان شود.

درمان خودارضایی، مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست که اگر همه باهم انجام شوند، سریع‌تر درمان صورت می‌گیرد. مراحل درمان ممکن است به‌صورت جلسات متعدد باشد و فرد به‌تدریج به مرحله حذف خودارضایی برسد؛ همان‌گونه که تحقیقات میدانی و آماری اجرای پروتکل اسلامی در این زمینه، چنین نتایجی را به‌همراه داشته است (آذربادکان و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۵-۸۱)، زیرا برای رسیدن به خودکنترلی، مرحله‌ای وجود دارد که دارای هفت مؤلفه است و در ضمن

است که غصب مرحله‌ای انجام دهد. برخی از علما این خروج را جایز دانسته و غصب مرحله‌ای را به توقف بیشتر در مکان غصبی ترجیح داده‌اند، حتی برخی از علما این خروج را واجب نفسی می‌دانند (کلانتری، ۱۴۰۴: ۱۵۴/۱)؛ برخی دیگر خروج در این حال را از مصادیق واجب غیری برشمردند (مظفر، ۱۴۱۵: ۳۱۲/۱). برخی دیگر از فقها در اینجا چنین غصب مرحله‌ای را جایز نمی‌دانند و عنوان اولیه حرمت را نسبت به آن جاری می‌دانند (طباطبائی قمی، ۱۳۷۱: ۷۰/۱-۶۹). در بحث خودارضایی نیز هرچند فرد در ابتدا ممکن است به‌صورت خودخواسته به خودارضایی پرداخته باشد، ولی در ادامه، به‌دلیل اعتیادی که پیدا می‌کند، به‌صورت ناخواسته به آن سوق پیدا می‌کند و لازم است که به درمان اعتیاد خود بپردازد. این درمان گاهی مستلزم این است که در روزها یا هفته‌های اول، به‌صورت مرحله‌به‌مرحله خودارضایی را کم کند تا این که منجر به حذف کامل آن شود.

اعتیاد^۱ یا همان «خوگری» به‌معنای این است که فردی به انجام رفتار یا استفاده از موادی می‌پردازد که به ادامه‌دادن آن مجبور می‌شود، یعنی کنترل خاصی نسبت به آن نمی‌تواند داشته باشد و مدام آن را تکرار می‌کند (انجمن پزشکی اعتیاد آمریکا^۲، ۲۰۱۹: ۱). درحقیقت، ضعف اراده، هرچند که به‌خودی‌خود به‌عنوان بیماری به‌شمار نمی‌رود، ولی باتوجه به عوارضی که بر دستگاه عصبی مغز وارد می‌آورد، می‌تواند به‌عنوان بیماری شناخته شود، به‌گونه‌ای که با اختلال در سیستم عصبی، فرد را به تکرار عمل وامی‌دارد (ساسمن و ساسمن^۳، ۲۰۱۱: ۲۰۴۶). اعتیادی که در بحث خودارضایی وجود دارد، «اعتیاد رفتاری^۴» است. اعتیاد رفتاری دارای انواع متفاوتی از جمله «اعتیاد جنسی^۵» است.

اعتیاد جنسی، برای توصیف رفتارهای جنسی استفاده می‌شود و به‌معنای نداشتن توانایی لازم در کنترل یا به‌تعمیق‌انداختن تمایلات جنسی است، به‌گونه‌ای که به‌رغم پیامدهای منفی آن، رفتار مورد اعتیاد ادامه می‌یابد (فونگ^۶، ۲۰۰۶: ۵۱). این

^۱- Addiction

^۲- American Society of Addiction Medicine

^۳- Sussman & Sussman

^۴- Behavioral Addiction

^۵- Sex Addiction

^۶- Fong

^۷- Sexual Deviation

دو واژه «غیرباغ» و «لاعاد» نیز می‌تواند ناظر به همین مسأله باشد.

باتوجه به ویژگی‌های قاعده اضطراب می‌توان گفت در مورد درمان خودارضایی، اگر درمان منوط به تجویز کم‌کردن خودارضایی باشد، این قاعده بر ادله احکام اولیه که حرمت این فعل است، حکومت دارد، البته باتوجه به این که لسان این قاعده لسان نظارت است، مادامی که شرایط اضطرابی موجود باشد، این فعل جایز است و به محض برطرف شدن این شرایط، حکم اولیه حرمت به جای خود بازمی‌گردد. افزون بر آن، چون مسأله از غیرعبادات است، مدلول قاعده در اینجا رخصت است؛ از این رو اگر روان‌درمانگر تشخیص بدهد که راهی برای حذف یک‌باره این عمل وجود ندارد، توصیه به این فعل جایز است. درحقیقت، از باب تراحم اهم و مهم است و ضرر ادامه‌دار شدن این فعل و اعتیاد به آن بیشتر از حذف مرحله‌ای آن است، زیرا در اینجا دو نوع ضرر وجود دارد؛ ضرر شدیدتر، ادامه خودارضایی است که می‌تواند پیامدهای منفی بسیار زیادی را برای فرد مبتلا به‌همراه داشته باشد و در علوم مختلف، از جمله روان‌شناسی نیز به این عوارض اشاره شده است، از جمله آن‌ها، پیامدهای جسمی است که شامل ضعف قوای جسمانی، ضعف قوه بینایی، ضعف مفاصل و مواردی مانند آن می‌شود. پیامدهای روحی و روانی است که مواردی مانند ضعف حافظه و حواس‌پرتی، اضطراب، انزوا، افسردگی، بی‌نشاطی، پرخاشگری، ضعف اراده و کسالت دائمی را شامل می‌شود. پیامدهای اجتماعی است که از جمله آن‌ها می‌توان به ناسازگاری خانوادگی، ضعف در ارتباط جنسی و بی‌میلی به ازدواج و همسر اشاره کرد (فقیهی، ۱۳۸۷: ۳۰۵-۳۰۳). همچنانکه ضرر اخف آن هم ترک مرحله‌ای این عمل در طول مراحل درمان است. درحقیقت، باتوجه به این که یکی از مراتب اضطراب، خوف از تشدید بیماری است، این مرحله نیز در مفهوم اضطراب وارد است و می‌توان مطابق آن حکم به جواز درمان از طریق ترک مرحله‌ای خودارضایی داد. نکته دیگر این است که از آنجایی که ضرر در اضطراب، ضرر نوعی نبوده و شخصی است، باید مورد به مورد بررسی شود و اگر راهی برای ترک یک‌باره این فعل برای کسی وجود داشته باشد، نمی‌توان او را مشمول حکم اضطراب دانست.

اجرای آن، فرد مبتلا به نقاط ضعف خود پی می‌برد و به اصلاح آن می‌پردازد. این مؤلفه‌ها شامل خودنظارت‌گری، هدف‌شناسی، انگیزشی، مهار هیجانی، مهار رفتاری، مهار شناختی و مهار تداوم‌بخش است (آذربادکان و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۰).

باتوجه به ادله عام اضطراب و نیز الغای خصوصیت مورد زنا در روایت یادشده و با استناد به اطلاق آیه یادشده در روایت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۳/۴۰) که از ادله قاعده اضطراب نیز به‌شمار می‌رود و نیز باتوجه به دلیل عقلی ترجیح اهم بر مهم، می‌توان به جواز انجام این عمل در طول مراحل درمان پرداخت، زیرا این مورد نیز از موارد اضطراب به‌شمار می‌رود و به‌عنوان راه درمانی، گاهی افزون بر استفاده از دارو، این فرد در ابتدای مسیر مجبور است که به ارتکاب این فعل حرام بپردازد تا به تدریج به آن پایان دهد.

۵- راه تشخیص اضطراب در موضوع خودارضایی

در مورد تشخیص مصادیق احکام، اگر خود شارع مشخص نکرده باشد، در بسیاری از مواقع این عرف است که تصمیم می‌گیرد، ولی در برخی از مواقع، شارع تعیین مصداق کرده است، مانند تعیین مصداق سفر شرعی. برخی از موضوعات مانند اضطراب نیز به دلیل تشکیکی بودن مفهوم آن‌ها، در عرف مورد اختلاف واقع می‌شوند و تشخیص مصداق بودن آن‌ها گاهی به اندازه‌ای دشوار است که خود مکلف نیز در آن دچار تردید می‌شود، البته در بحث درمان خودارضایی، روان‌درمانگر به‌عنوان یک متخصص نیز می‌تواند اضطراب فرد را تشخیص دهد، هرچند لازم است که در مورد ارتکاب فعل محرم در حال اضطراب از افراط و تفریط خودداری کرد و این‌گونه نباشد که با کمترین مشقت، مکلف مرتکب حرام شود.

۶- تحلیل

باتوجه به مفهوم شناسی اضطراب، درجایی که جایگزین و بدل حلال وجود دارد، اضطراب به حرام موضوعیت ندارد. از این رو در این‌گونه مواقع چون موضوع اضطراب محقق نیست، حکم اولیه حرمت به حال خود باقی است و نمی‌توان حکم اضطرابی را اجرا کرد و قائل به جواز عمل حرام ارتکابی شد. این مفهوم از لسان ادله اضطراب قابل استخراج است، چنانچه

شاید یکی از شواهدی که برای نظر فقها در بحث اضطراب بتوان بیان کرد، استفتائی باشد که فردی از مرحوم امام خمینی (ره) در مورد همسر خود می‌پرسد؛ مبنی بر این که همسر او گاهی به اندازه‌ای برای وضو و نماز دچار وسواس می‌شود که تمام مدت وقت نماز، مشغول وضوگرفتن می‌شود و نمی‌تواند نماز خود را تا آخر وقت تمام کند؛ برای درمان او از همه راه‌ها اقدام شده، ولی بی‌نتیجه بوده است. امام خمینی (ره) در پاسخ به این پرسش مطرح می‌فرماید: «به اندازه افراد معمول به او فرصت داده شود و اگر نتوانست در آن مدت انجام دهد، تکلیف از او ساقط است تا این حالت از او برطرف شود» (رحیمیان، ۱۳۹۷: ۲۵۰). نکته‌ای که وجود دارد، این است که با این که نماز در هیچ زمانی از انسان ساقط نمی‌شود، ولی مرحوم امام، برای درمان وسواس فرد، نه تنها مقدمه، بلکه وجوب ذی‌المقدمه را نیز منتفی دانست. دو تحلیل در مورد چرایی این حکم می‌توان ارائه داد، ممکن است به این دلیل باشد که فرد وسواسی وقتی به این شدت دچار وسواس شده است، تسلط بر تفکر خود ندارد و مانند انسان فاقد عقل است که شرط اولیه تکلیف را ندارد؛ تحلیل دوم نیز ممکن است به خاطر شرایط اضطرابی باشد که بر ادله احکام اولیه حکومت دارد، زیرا مرحوم امام و برخی دیگر از فقها مانند صاحب شرایع و صاحب جواهر، محدوده اجرایی این قاعده را وسیع دانسته و شامل هر عمل حرامی می‌دانند که در هنگام ناگزیری و ناچاری یا به دلیل حفاظت از جان یا ممانعت از تشدید بیماری، انجام می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۱۶۱/۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ۷۵۷/۴؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۴۲۷/۳۶).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد:

۱- یکی از قواعد مهم برای رفع مشقت در اسلام، قاعده اضطراب است که در بسیاری از ابواب مختلف فقهی کارایی دارد. از مصادیق این اضطراب، درمان اعتیاد به خودارضایی است. در این زمینه می‌توان به دو نوع ادله عام و خاص تمسک کرد. از جمله ادله عام آن آیات قرآن مانند آیه ۱۷۳ سوره بقره است و از جمله ادله خاص آن می‌توان به روایتی که در باب زنا آمده است، تمسک کرد که باتوجه به الغای

۲- یکی از مراتب اضطراب، خوف از تشدید بیماری است؛ نسبت به درمان خودارضایی، اگر درمان با ترک یک‌دفعه‌ای ممکن باشد، مراد حاصل شده است، ولی در مواردی که این کار امکان ندارد و نسبت به فردی درمان تدریجی و کم‌کردن این فعل به تدریج توسط پزشک متدین متخصص تجویز شود، از باب تقدیم اهم بر مهم می‌توان به صورت تدریجی فرد مبتلا را به ترک آن عادت داد، ضمن این که باتوجه به اهمیت رعایت حلال و حرام الهی، لازم است به حرام اخف اکتفا نمود.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش، تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت شده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: در این پژوهش، نویسندگان مشترکاً اقدام نموده‌اند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمامی کسانی که در تدوین این مقاله، ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.

- ابن عابدین، محمدامین (۱۳۸۶). *حاشیه رد المحتار، علی الدر المختار: شرح تنویر الأبصار*. جلد چهارم، چاپ دوم، بیروت: دار الفکر.

- حلی، ابن ادريس (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*. جلد سوم، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين.

- حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵). *الجامع للشرایع*. جلد اول، چاپ اول، قم: مؤسسه سید الشهداء (ع).

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷). *اجوبه الاستفتاءات (عربی)*. جلد اول، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.

- خراسانی، محمدکاظم {آخوند خراسانی} (۱۴۳۱). *کفایه الأصول*. جلد اول، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.

- دستغیب، عبدالحسین (۱۳۸۸). *گناهان کبیره*. جلد دوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- رحیمیان، محمدحسن (۱۳۹۷). *در سایه آفتاب*. چاپ سیزدهم، تهران: سوره مهر.

- رضوانی، علی (۱۳۹۲). «شاخص‌های تقدیم اهم بر مهم در تعارض‌های اخلاقی». *معرفت اخلاقی*. ۴ (۱): ۵-۱۸.

- سهراب‌پور، علی (۱۳۹۰). *خلوت شیطانی: خود ارضایی و راه درمان آن*. چاپ دوم، قم: دفتر نشر معارف.

- شیخ طوسی، ابوجعفر (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. تحقیق محمدباقر بهبودی، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران: المكتبة المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.

- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الأحكام فی شرح المقنعه*. تحقیق حسن خراسان، جلد نهم، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب العلمیه.

- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). *الخلاف*. جلد ششم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی،

- شیبانی جزری، محمد {ابن الأثیر} (۱۳۹۹). *النهایه فی غریب الحدیث والاثیر*. تحقیق طاهر أحمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، جلد چهارم، بیروت: المكتبة العلمیه.

- ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۲۴). *أحكام القرآن*. تعلیق محمد عبدالقادر عطا، جلد اول، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. جلد‌های چهارم و چهاردهم و پانزدهم، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.

- احمدی، وحید و همکاران (۱۳۹۱). «شیوع شناسی خودارضایی در بین دانشجویان ساکن خوابگاه‌های دانشگاه شهید چمران اهواز». *مجموع مقالات چهارمین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران*، ۷: ۱۰۳-۱۰۶.

- اردبیلی، احمد بن محمد {مقدس اردبیلی} (۱۳۷۹). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. تحقیق شیخ مجتبی عراقی، جلد یازدهم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

- اسماعیل‌زاده برزی، احمد (۱۳۹۲). *واقعیت‌هایی درباره خودارضایی*. چاپ اول، قم: سبط النبی.

- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). *کتاب المکاسب*. جلد پنجم، قم: تراث الشيخ الأعظم.

- انصاری، محمدعلی (۱۴۱۵). *الموسوعه الفقهیه المیسره*. چاپ اول، قم: مجمع الفکر الإسلامی.

- آذربادکان، فاطمه؛ آقا محمدیان شریاف، حمیدرضا و عبد خدائی، محمد سعید (۱۳۹۹). «تدوین پروتکل کنترل خودارضایی؛ با تأکید بر رویکرد اسلامی و امکان‌سنجی آن: «تک آزمودنی»». *روان‌شناسی و دین*. ۱۳ (۴): ۷۳-۹۲.

- بهوتی، منصور بن یونس (۱۴۱۴). *دقائق أولى النهی لشرح المنتهی*. جلد سوم، چاپ اول، بیروت: عالم الکتب.

- جلالی‌مازندرانی، سید محمود (۱۴۱۴). *المحصول فی علم الأصول*. تقریر بحث الشیخ جعفر السبحانی، جلد چهارم، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. تحقیق شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، جلد‌های پنجم و شانزدهم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- طباطبائی قمی، سید تقی (۱۳۷۱). *آراؤنا فی أصول الفقه*. جلد اول، چاپ اول، قم: محلاتی.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد اول، قم: منشورات اسماعیلیان.
- طوسی، ابن حمزه (۱۴۰۸). *الوسیله*. تحقیق شیخ محمد الحسون، چاپ اول، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی.
- عاملی، زین‌الدین بن علی {شهیید ثانی} (۱۴۱۳). *مسالك الألفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام*. جلد‌های دوازدهم و پانزدهم، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- عراقی، آقا ضیاء‌الدین (۱۴۱۷)، *نهایه الافکار*. تحقیق محمدتقی بروجردی نجفی، جلد اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعه المدرسین.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). *قواعد الأحكام*. جلد سوم، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۸). *مختلف الشیعه*. جلد هشتم، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸). *تذکره الفقهاء*. جلد دوم، چاپ سنگی، تهران: منشورات المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- فرّاء، جمال نادر (۱۴۱۴). *أثر الاضطراب فی إباحه الفعل المحرمات الشرعیه*. اشراف محمد فتحی الدربینی، چاپ اول، بیروت: دار الجیل.
- فقیه‌ی، علی‌نقی (۱۳۸۷). *تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث*. چاپ اول، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۸). *المصباح المنیر*. تحقیق شیخ محمد یوسف، جلد اول، چاپ دوم، قم: مکتبه العصریه.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۸۴). *الجامع لأحكام القرآن تفسیر قرطبی*. تحقیق أحمد البردونی وإبراهیم أطفیش، جلد دوازدهم، چاپ دوم، قاهره: دار الکتب المصریه.
- کلانتری، ابوالقاسم (۱۴۰۴). *مطرح الأنظار (تقریرات الشیخ الاعظم الانصاری)*. جلد اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم‌السلام) لإحیاء التراث.
- کیانی، مهرزاد و شریفی‌خضارتی، امیر (۱۳۸۸). *انحرافات جنسی (مطالعه تطبیقی جرم‌شناسی و فقهی)*. چاپ اول، تهران: اندیشه عصر.
- گروهی از نویسندگان (۱۳۸۹). *فرهنگ‌نامه اصول فقه*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ماوردی، علی بن حمد (۱۴۱۹). *الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی*. تحقیق شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل أحمد عبد الموجود، جلد نهم، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر {علامه مجلسی} (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجماعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار*، جلد‌های چهارم و هفتم و نهم، قم: مؤسسه الوفاء.
- مجموعه من المؤلفین (۱۴۲۷). *الموسوعه الفقهیة الكويتیه*. جلد سی و نهم، کویت: وزاره الأوقاف والشئون الإسلامیه.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*. تحقیق سید صادق حسینی شیرازی، جلد‌های سوم چهارم، چاپ دوم، تهران: استقلال.
- محقق سبزواری، محمدباقر (۱۴۲۳). *کفایه الفقه (کفایه الأحكام)*. تحقیق مرتضی واعظی اراکی، جلد دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹). *فرهنگ‌نامه اصول فقه*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مشکینی اردبیلی، شیخ علی (۱۳۷۱). *اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها*. جلد اول، چاپ پنجم، قم: نشر الهادی.

- Sussman, S & Sussman, A (2011). "Considering the Definition of Addiction". *International Journal of Environmental Research and Public Health*, ISSN: 1660-4601.
- Fong, T (2006). "Understanding and Managing Compulsive Sexual Behaviors". *Psychiatry (Edgemont)*, 3 (11): 51-58.

- مظفر، محمدرضا (۱۴۱۵). *اصول الفقه*. جلد‌های اول و دوم، چاپ دوم، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مقدسی، ابن مفلح (۱۴۲۴). *الفروع (ومعه تصحیح الفروع)*. تصحیح علی بن سلیمان مرداوی، تحقیق عبدالله بن عبد محسن ترکی، جلد دهم، بیروت: مؤسسه الرساله.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۷). *تحریر الوسیله*. جلد دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی (۱۴۲۳). *موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام*. جلد سیزدهم، چاپ اول، قم: مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی.
- مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*. زیر نظر محمود هاشمی شاهرودی، جلد اول، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- نجفی، محمدحسن {صاحب جواهر} (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. تحقیق محمود قوچانی، جلد‌های سی و ششم و چهل و یکم، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵). *مستند الشیعه*. جلد پانزدهم، مشهد: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- وطنی، امیر (۱۳۸۱). «بررسی فقهی اضطراب و ضرورت». *مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۱: ۲۰۷-۱۸۷*.

ب. منابع انگلیسی

- American Society of Addiction Medicine 11400 Rockville Pike, (2019). Suite 200, Rockville, MD 20852, Adopted by the ASAM Board of Directors September 15.
- Brian, H (1998). "The sin of Onan revisited". *The Couple to Couple League International, Inc*.
- Sijia Huang, Caoyuan Niu, Pekka Santtila (2022). "Masturbation Frequency and Sexual Function in Individuals with and without Sexual Partners". *Sexes*, 3 (2): 229-243.